

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۲۷ فبروری ۲۰۱۵

جنبش کارگری ترکیه و تشکل های سراسری (بخش اول و دوم)

*۲

مقدمه

کانون مدافعان حقوق کارگر در سلسله مطالب مربوط به معرفی جنبش های کارگری سایر کشورها که با هدف انتقال تجربه به منظور ارتقای سطح فعالیت های کارگری انجام می شود، به شکل گیری سندیکاها و تشکل های کارگری در کشورهای مختلف پرداخته است، از جمله می توان به عراق، فلسطین، مکزیک، نپال، فیلیپین اشاره کرد. در این مقالات بر نقش کلیدی نیروهای سیاسی در شکل گیری جنبش کارگری تأکید شده است. این بار جنبش کارگری ترکیه انتخاب شده است.

جنبش کارگری ترکیه ویژگی های خاص خود را دارد. در دهه گذشته ترکیه رشد اقتصادی بسیاری نسبت به سایر کشورهای منطقه داشته است. البته در کنار این رشد، از تبعات بحران اقتصادی نظام سرمایه داری نیز برکنار نبوده است. بی تردید پیامد اجتنابناپذیر رشد اقتصاد و صنعت ترکیه در سه دهه گذشته، رشد زحمتکشان ترکیه است و بحران ها نیز بر فشارهایی که به این زحمتکشان وارد شده، افزوده است.

بخشی از جنبش کارگری ترکیه به جنبش سندیکائی اختصاص دارد نمی توان ضرورت تاریخی تشکل های کارگری ترکیه و امکان تحول آنها در آینده را بدون توضیح رابطه بین مبارزات سندیکائی و نقش انقلابی کارگران در تحقق سرنوشتشان روشن کرد. این جنبش بعد از دهه ۸۰ بر اساس تشکل های سندیکائی المان ساخته شده است و بازگشت بسیاری از تبعیدیان سیاسی که در کشورهای اروپائی و به خصوص المان (با جمعیت بیش از دو میلیون و سیصد هزار مهاجر ترک) زندگی کرده اند، در این بخش از جنبش کارگری تأثیر داشته است. باید به این نکته اشاره کرد المان کشوری است که بیشترین نیروی سندیکائی را در خود جای داده ولی این نیروی سندیکائی بسیار در خود است، نیروی سندیکائی است که در عرصه بین المللی نیز همیشه از منافع دولتش دفاع کرده است.

اما تشکل های سندیکائی در ترکیه بر سر یک بزننگاه تاریخی قرار دارند، به بیانی شاید بتوان گفت طبقه کارگر انقلابی در پوشش و نقاب سندیکاگری و سندیکای حرفه ای و صنفی در جنبش اعتراضی فعالیت می کند و این امر

خود را در اعتراضات اول جون میدان تقسیم ترکیه نشان داد که شانزده درصد از جمعیت استانبول در اعتراض به بسته شدن پارک گزی به خیابان آمدند. (۱)

این که آیا سندیکاهای ترکیه پذیرفته‌اند در نبود دو قدرت جهانی، دیگر نمی‌توان همانند گذشته سهم بیشتری از سرمایه داخلی داشت و این که چگونه نباید گذاشت دست‌آوردهای موجود نیز از دست برود، سوالاتی است که باید در این نوشته به آن پاسخ داده شود و خواننده از دل این مطلب دریابد که جنبش سندیکائی ترکیه همانند همکارانش در سراسر دنیا در بسیاری از لحظات تاریخی پیشروی‌های بسیاری داشته و در شرایطی عقب‌گرد کرده است. اما این جنبش هنوز در آغاز راهی است که اگر درست پیموده شود مسیرش خلاف دیگر کشورهای اروپائی است.

تفاوت جنبش کارگری ترکیه با دیگر کشورهای امریکای لاتین، افریقا، آسیا و خاورمیانه در این است که حکومت ترکیه به خاطر ملحق شدن به اتحادیه اروپا در دو دهه گذشته سعی کرده در امور کارگری نیز خود را همانند دولت‌های اروپائی نشان دهد و نیروهای تبعیدی با رفت و آمد و داشتن نماینده حتی در پارلمان اروپا کوشش بسیار کرده‌اند تا بر حکومت ترکیه فشار اقتصادی و سیاسی بیآورند. بسیاری از این تبعیدیان نیز با رشد اقتصادی و داشتن امکانات مالی در تأسیس نهادهای اقتصادی و جذب نیروی کار و فروش کالاهای خودشان به کشورهای همسایه، از لحاظ اقتصادی فاسد و ناکارآمد شده و در همان زمان در عرصه سیاسی به زد و بند می‌پردازند.

این نکته نیز باید گفته شود که سیر تحولات اجتماعی در ترکیه با دیگر کشورهای همجوار نیز متفاوت بوده است. چرا که در ترکیه حزبی در طیف چپ وجود دارد که چشم به قدرت دارند، یا جریان‌های کارگری و سازمان‌هایی که معتقد به مشی مسلحانه هستند و بیشتر بر مسئله ملی تأکید دارند تا مسئله طبقاتی و...

نسل جوان جنبش کارگری ترکیه امروز در تاکتیک مبارزاتی بیشتر خود را با جریان‌های آنارشیستی یونان، پرتغال و اسپانیا نزدیک می‌بینند. جلسه‌های فروم‌های اجتماعی در یک دهه گذشته خود گویای این واقعیت است. ترکیه اکنون ۲۰۰ دانشگاه و بیش از ۴ میلیون دانشجو دارد؛ ۵,۲ میلیون دانش‌آموخته جدید نیز از ۲۰۰۸ به جمعیت اضافه شده است. سبک زندگی این نیروی کار تحصیل‌کرده که در محیط‌های مدرن کار می‌کنند، شبیه هم‌قطاران جهانی‌شان است و از این سخت‌بیزارند که به فضای شخصی و اجتماعی‌شان دست‌درازی شود. (۲)

این نسل جدید که بخشی از آنها در بدنه سندیکاهای موجود قرار دارند، سعی می‌کنند خواسته‌های خود را به رهبری سندیکاهای و تشکل‌های اتحادیه‌ئی تحمیل کنند. اگر سندیکاهای با نهادهائی مانند لیبراستارت همراه می‌شوند تا در ترکیه برای جنبش کارگری منطقه جلسه بگذارند، در همان سالن برنامه به افشاءگری می‌پردازد و آن عمل را به ضد خودش تبدیل می‌کند. اریک لی این بدنه رادیکال را، "ضد یهود" نام می‌نهد. (۳)

جنبش کارگری ترکیه در این دوره اگر بتواند از مسئله ناسیونالیسم و مذهب که در سیاست نقش اساسی دارند، عبور کند، به طبع می‌تواند در عرصه مبارزه با فاشیسم موجود در داخل کشور و منطقه نقش اساسی بازی کند. فاشیسم در بنیاد جامعه ترکیه تنیده شده است و هر لحظه بخواهد و ضروری باشد می‌تواند در عرصه وسیع‌تری به میدان بیاید و همان گونه جنبش کارگری ترکیه را سرکوب کند که در سال ۱۹۳۹ فرانکو در اسپانیا انجام داد. این نسل آگاهانه این امر را می‌داند و مواظب است که تمامی نیروی خود را بر روی یک حزب یا نهاد سیاسی نگذارد و به محض این که یک سندیکا یا حزب ممنوع می‌شود این افراد از قبل نهاد جدیدی را برای فعالیت بعدی خود آماده دارند.

تفاوت جنبش کارگری ترکیه با دیگر کشورها در این است که به محض ضربه خوردن در خود فرو نمی‌رود تا علت ضربه را پیدا کند و سال‌ها طول بکشد تا از دل این شکست دوباره سر بر آورد. آنها شکست را بخشی از مبارزه می‌دانند و دنبال مقصر نمی‌گردند. جنبش کارگری ترکیه سه کودتا را تجربه کرده است و امروز ارتش این کشور،

همانند ایران، بر تمامی شؤون جامعه نقش دارد و جنبش اجتماعی دائم به دنبال راهی برای کمتر ضربه خوردن نیست بلکه بیشتر دنبال راهی برای بیشتر حمله کردن است و در این مسیر به طور دائم بهائی سنگین می‌پردازد. این نسل از مبارزان ترکیه از تمامی راه‌ها برای مبارزه استفاده می‌کنند. در عین حال که اعتصاب راه می‌اندازد در دادگاه نیز حضور دارد، کارخانه را اشغال می‌کند و... در زمانی که به دنبال جمع‌آوری کمک برای اعتصابیون است، به دنبال تأمین مخارج زندگی کارگران زندانی نیز هست و اجازه نمی‌دهد گرفتن کمک‌های مالی برای این کارگران بهانه‌ای شود که از آنها سوءاستفاده شود. آنان مسائل را در عرصه فراتری می‌بینند و نگاهشان طبقاتی است.

جنبش کارگری ترکیه دائماً در حال تولید و بازتولید نیروی خودش است به خصوص این نیروهای کاری که از دل مراکز آموزشی بیرون می‌آید و از لحاظ اجتماعی تحصیل کرده هستند، در تمام عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری فعال هستند. به دلیل وجود این قشر فعال و پرشور، جنبش اتحادیه‌ی و سندیکائی ترکیه در رابطه با تمام سیاست‌ها و فعالیت‌هایش باید جوابگوی بدنه خودش باشد این جوابگویی دائمی به رادیکالیسم بیشتر دامن می‌زند.

روشنفکران ترکیه بر اصل جدائی دین و دولت همواره تأکید دارند ولی این نقش همیشه از جانب دولت و مردم کمرنگ شده است. رشد مذهب در جامعه را نباید دست کم گرفت. دلایل این رشد جدا از رشد مذهب در کل جهان نیست. مبارزات نزدیک به صد سال گذشته جنبش کارگری ترکیه همانند بسیاری از جنبش‌های کارگری منطقه خاورمیانه افتوخیزهای بسیاری را از سرگذرانده است. در هر دوره هزاران نفر به زندان افتاده‌اند و تبعید ناخواسته بر هزاران نفر تحمیل شده است. اما نه تبعیدیان از ریشه‌های خود جدا شدند و نه زندانیان، مبارزه را ترک کردند. جنبش کارگری ترکیه از سال ۱۹۰۸ از دل ناسیونالیسم کمال آتاتورک به وجود آمد و در بسیاری از مواقع پیشرو بوده است. (۴)

آتاتورک، همانند رضا شاه ایران، بسیار مستبد و در عین حال بازیچه قدرت‌های خارجی بود و همانند بزرگان عثمانی خواستار آن بود که قدرتش از مرزهای ترکیه فراتر رود و در منطقه تک باشد. در ترکیه نیز همانند ایران مبارزات اجتماعی علیه این شرایط استبدادی شکل گرفت. تفاوت ترکیه با ایران این بود که نیروهای اجتماعی بیرون آمده از دل مبارزات ایران بسیار عدالت‌خواه و ضداستبدادی بودند ولی جامعه ترکیه در ناسیونالیسم درگیر شد و به دلیل همین ناسیونالیسم است که در یک قرن گذشته همیشه با نیروی استقلال‌طلبانه کردها نتوانسته کنار بیاید. زیرا جنبش حق‌طلبانه مردم کرد تنها با مقاومت و همراهی متقابل نیروهای ترک مبارز می‌توانست در برابر حکومتی بایستد که اکثریت قریب به اتفاق روشنفکران ترکیه آن را نظامی فاشیستی تلقی می‌کنند. (۵) پس طبیعی است که در جنبش کارگری ترکیه نیز ناسیونالیسم و مذهب تأثیر گذار باشد.

جنبش کارگری ترکیه هیچ گاه تا به امروز نتوانسته خود را از زیر چکمه‌های نظامیان خلاص کند. سه کودتای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ بیشترین ضربه را به جنبش کارگری و عدالت‌خواه زد. بعد از کودتای ۱۹۸۰ حدود ۵۰ نفر از فعالان کمونیست اعدام و بیش از سی هزار نفر دستگیر شدند که ۲۵ هزار نفرشان بدون داشتن هیچ حکمی تا یک سال در زندان بودند. تا سال ۱۹۸۲ ده هزار نفر دیگر دستگیر شدند و ششصد نفر به جرم فعالیت تروریستی محکوم به زندان شدند. بعد از سال ۱۹۸۳ قانون به وجود آمدن احزاب تصویب شد. تمامی احزاب با اجازه ارتش حق داشتند فعالیت کنند. سه حزبی که در این دوران تأسیس شدند عبارت بودند از حزب مادر وطن، حزب عوام و حزب دمکراسی ملی. (۶)

پس از آن طیف وسیعی از اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌های متفاوت در ترکیه فعال شدند، مانند کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه، ترک - ایش (Türk-İş)، هاک - ایش (Hak-İş)، کنفدراسیون اتحادیه‌های پیشرو ترکیه، دیسک (DISK)، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری بخش عمومی، کسک (kesk) و... (۷)

به جز اتحادیه‌های کارگری سایر احزاب و گروه‌ها از جمله حزب جمهوری خلق (CHP) (نیروهای ناسیونالیست موسوم به کمالیست‌ها) که اصلی‌ترین نیروی اپوزسیون حامی سرمایه‌داران است و حتی فاشیست‌ها (MHP) حزب کارگران ناسیونالیست، حزب حرکت ملی که گرایش ناسیونالیسم افراطی ترکی دارد، تلاش کردند این جنبش را در جهت اهداف خود هدایت کنند. از سایر گروه‌ها می‌توان کنگره دموکراتیک خلق را نام برد که شامل احزاب کرد و گروه‌های چپ (HDK) و هالک اولری (Halk Evleri) (خانه‌های خلق) است. کنگره دموکراتیک خلق‌ها که مشی آپوئیستی و مواضعی مشابه با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) دارد، از سال ۲۰۱۳ به حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) تغییر سازمان داده و هم اکنون در بخش‌های مختلف ترکیه فعالیت می‌کند. حزب صلح و دموکراسی (BDP) نیز که به حزب مناطق دموکراتیک (DBP) تغییر نام داده، به عنوان بخش شمال کردستان این حزب ایفای نقش می‌کند

سایر اقشار جامعه نیز تشکل‌های خود را دارند مثل اتحادیه پزشکان ترکیه و معلمان و ... اتحادیه معلمان از سال ۱۹۹۵ تأسیس شده و دارای دوصد هزار عضو است. در سال ۲۰۰۸ شش سندیکای معلمان وجود داشت که عبارتند از: (۸)

سندیکای آموزش ترک، سندیکای آموزش، سندیکا یک آموزش، کار آموزش، سندیکای آموزش آنادولو، سندیکای مستقل آموزشکده وابسته به بین‌الملل آموزش است. (۹)

یکی از مشخصه‌های بارز جنبش کارگری ترکیه این است که اقدامات مشترکی توسط طیف‌های متفاوت اتحادیه‌ها انجام می‌شود. این اقدامات مشترک مثل برگزاری جشن اول ماه مه، اعتراضات مشترک و ... تأثیرات متعددی بر وضعیت کلی نیروی کار ترکیه دارد که جای بررسی دارد و می‌تواند برای جنبش‌های کارگری در سایر کشورها مفید باشد. همه ساله کمیته اول ماه می در ترکیه با همکاری اتحادیه‌های کارگری و جریان‌های چپ برگزار می‌شود. (۱۰)

یکی دیگر از خصیصه‌های جنبش کارگری ارتباط آن با جنبش انقلابی ترکیه است که موقعیت ویژه‌ای به آن می‌دهد. نمی‌توان از جنبش کارگری صحبت کرد و نقش نیروهای چریکی و سوسیالیستی را نادیده گرفت. اولین جنبش مسلحانه به سال ۱۹۲۰ جنبش استقلال‌طلبانه کردستان برمی‌گردد. (۱۱) در ادامه استقلال‌خواهی تا ۱۹۷۴ که جریان کردستان انقلابی به رهبری «حقی قرار» می‌رسد که در نزدیکی مرز سوریه ترور شد. (۱۲) حزب کارگران کردستان در ۱۵ اگست ۱۹۸۴، همانند سیاهکل، با حمله به پاسگاه پولیس شم‌دینالی شکل گرفت. (۱۳) اعتصاب غذای ۷۵ روزه فعالان زندانی در زندان استانبول که منجر به شهادت چهار زندانی شد، جوانه‌هایی از این عملیات مسلحانه بود. (۱۴) پس از مدتی شمار تلفات نیروهای حکومت چنان بالا گرفت که کنعان اُورن، رهبر کودتای ۱۹۸۰ شخصاً به کردستان رفت. در این سفر سه افسر هیأت همراه وی مورد حمله گریلاهای پ.ک.ک قرار گرفتند و کشته شدند. در پایان دهه ۱۹۸۰ دولت ترکیه همزمان با کشتار و سرکوب فعالان سیاسی کرد، به پاکسازی قومی در روستاهای کردستان دست زد. بنا بر ارزیابی‌ها، تا سال ۱۹۹۹ بین ۳ تا ۴ میلیون کُرد از اقامتگاه خود رانده شدند که این موضوع سبب اقبال هرچه بیشتر دهقانان ناراضی کرد به حزب کارگران کردستان شد. دولت ترکیه با ربودن اوجلان در ۱۶ فبروری ۱۹۹۸ سیاست‌های خود را در رابطه با جنبش کرد تغییر داده است. (۱۵) این بخش

از جنبش کارگری بیشتر رنگ و بوی ناسیونالیسم گرفته است. این در حالی است که پ.ک.ک بخش‌های دیگر جنبش چپ ترکیه (به طور مشخص حزب کارگر جریان دوغوپرینچک) را به ناسیونالیست بودن متهم می‌کند و خود را ناسیونالیست نمی‌داند. البته جنبش استقلال‌طلبانه کردستان ترکیه تفاوت بسیاری با جنبش‌های دیگر کشورها و به خصوص عراق دارد که به رغم اهمیت، بررسی آن در این نوشته امکان‌پذیر نیست.

در سال ۲۰۰۱ بحران اقتصادی بزرگی ترکیه را در نوردید. دولت ترکیه مانند سایر کشورهای مشابه با پذیرفتن برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سعی کرد از بحران خارج شود. یکی از تبعات این سیاست‌ها طرح افزایش شدید ارزش واحد پول ترکیه لیره بود که سبب کاهش تولید در صنایع و کشاورزی و کاهش دستمزدهای کارگری و تضعیف سندیکاها و افزایش بیکاری و مهاجرت به شهرها شد. (۱۶) مانند سایر کشورها، بحران اقتصادی شرایط زندگی و کار برای کارگران ترکیه را روز به روز سخت‌تر کرد. طرح‌های تعدیل ساختاری، خصوصی‌سازی و نبود امنیت شغلی سبب شده است جوانانی که از تبعات این طرح‌ها زندگی‌شان تأثیر گرفته، کمتر در فعالیت‌های صنفی و اتحادیه‌ی مشارکت داشته باشند.

با چنین تغییرات عمیقی در ساختار اقتصادی اجتماعی ترکیه، ضروری است اتحادیه‌ها و سندیکاها و تشکل‌های کارگری ترکیه دیدگاه، شیوه کار و ساختارشان را تغییر دهند.

در این میانه، ضعف‌های جنبش اتحادیه‌ی و سندیکائی کارگری نیز خود را نمایان می‌کند. در این سال‌ها پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت، سندیکا‌های دولتی یا آنان که به دولت نزدیک بودند با حمایت‌های دولت رشد کردند. مثلاً در سال ۲۰۰۹ سندیکای کارمندان به بزرگترین کنفدراسیون ترکیه تبدیل شد.

یکی دیگر از عوامل تضعیف تشکل‌های کارگری وجود فساد و رشوه در میان بعضی رهبران برخی از این اتحادیه‌های کارگری بود که به بی‌اعتمادی کارگران به این تشکل‌ها دامن می‌زد. این نوع سندیکاها به جای تکیه بر بدنه کارگری سعی دارند مشکلات محیط کار را از طریق مذاکره با حکومت و صاحبان قدرت حل کنند. آنان بیشتر به شیوه ان جی اوها عمل کرده و اقداماتی از جمله ساختن مدرسه و ... انجام می‌دهند. (۱۷)

پخش خبر ثروت زیاد و حقوق بالای بعضی از مدیران بعضی از سندیکا نیز در این دوره به شهرت سندیکاها صدمه زد. از جمله می‌توان به کنفدراسیون (HABER-IS و TURK-IS) اشاره کرد. هجمه‌های رسانه‌های سرمایه‌داری، با هدف ایجاد جو بی‌اعتمادی و بدبینی به تشکل‌های کارگری نیز از این مسأله به خوبی استفاده کردند. رابطه اتحادیه‌های کارگری ترکیه و اتحادیه‌های کارگری کشورهای اروپائی یکی دیگر از خصوصیات جنبش کارگری ترکیه است. پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا شرایط ویژه‌ای را برای ترکیه ایجاد کرد که این روند بر جنبش کارگری تأثیر داشته است.

اتحادیه اروپا - ترکیه (JCC) از جلسه هجدهم در لاهه در سال ۲۰۰۴ وضعیت حقوق اتحادیه‌های کارگری ترکیه را در دستور کار و بررسی خود قرار داده و از آن زمان بارها مورد بحث بوده است. این مسأله نقطه عطفی در کار اتحادیه اروپا در زمینه تجزیه و تحلیل وضعیت حقوق اتحادیه‌های کارگری است. همچنین گزارشی در جلسه بیست و دوم (JCC) که در سال ۲۰۰۷ در بروکسل برگزار شد و دو گزارش دیگر نیز در سال ۲۰۰۸ در این زمینه ارائه شد.

همان گونه که در بالا گفته شد اتحاد عمل و فعالیت‌های مشترک اتحادیه‌ها، به رغم اختلاف‌نظرهایی که با هم دارند، تجربه ارزشمندی از جنبش کارگری ترکیه است که می‌تواند برای کارگران ایران آموزنده باشد. این که چگونه این

اتحاد عمل‌ها شکل می‌گیرد و چگونه اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری عضو کنفدراسیون‌ها می‌توانند با هم روی یک حرکت مشترک به توافق برسند، از اعتصابی حمایت کنند و...

در کنار این اتحاد عمل‌ها، تضاد و کشمکش بین اتحادیه‌های زرد و سازشکار با اتحادیه‌های رادیکال و تشکل‌های انقلابی وجود دارد. این تقابل همیشگی که سبب ارتقای جنبش کارگری ترکیه می‌شود، در زمینه‌های مختلف بروز می‌کند از جمله این که برخی از اتحادیه‌های کارگری ترکیه مانند ترک-ایش خواهان همکاری با اتحادیه‌های اروپا بودند و بیانیه مشترکی را با سازمان ترقی اقتصادی امضاء کرد که خواستار افزایش همکاری با اتحادیه اروپا بود. در حالی که برخی اتحادیه‌های مترقی با این مسأله موافق نیستند...

این که کارگران آگاه و فعال در ترکیه از این موقعیت ویژه چه استفاده‌ای برده و چگونه از این فضای ایجاد شده، برای همبستگی و انسجام جنبش کارگری و پیوند آن با جنبش انقلابی و رادیکال در ترکیه استفاده کرده‌اند، می‌تواند برای کارگران ایران مفید باشد. نمونه بارز آن را در جریان اعتراضات برای کم‌رسانی به کوبانی شاهد بودیم. اعتراضاتی که به زد و خورد با پولیس و کشته شدن بیش از ۴۰ نفر منجر شد و در انتها دولت ترکیه عقب نشینی کرده و به نیروهای مردم اجازه داد تا به کمک مردم کوبانی بروند. هر چند بیشتر کمک‌ها را حزب دموکراتیک خلق‌ها سازماندهی کرد، اما اتحادیه‌های کارگری نیز نقش پررنگی در این اعتراضات داشتند. از جمله می‌توان به اطلاعیه کسک اشاره کرد.

کنفدراسیون کارگران کسک و اتحادیه‌های وابسته به آن در سراسر کشور طی بیانیه‌ای خواستار اتحاد عمل علیه داعش و اعتراض در محل‌های کار و دفتر کسک در روزهای هشتم و نهم اکتوبر شد. در این بیانیه آمده است که "کارگران، به سیاست جنگ یک طرفه در کوبانی نه می‌گویند و در مقابل قتل عام بشریت مترقی نمی‌توانند سکوت کنند".

در ادامه بیانیه به نقش حزب عدالت و توسعه که مجوز جنگ را داده اشاره شده و چنین آمده است: "سیاست‌های جنگی هیچ نفعی برای بشریت، مردم و زحمتکشان ترکیه ندارند" و با مطرح کردن شعار "یا سوسیالیسم یا بربریت"، مقاومت قابل ستایش زنان کوبانی را در دفاع از آینده و خاک خود مورد تأیید قرار داده و اشاره کرده که کارگران در برابر سیاست‌های جنگی ساکت نمی‌مانند:

"جنگ کوبانی، جنگ مرگ و زندگی است و نمی‌توان در برابر کشتار بشریت سکوت کرد." در ادامه به خطر جنگ داخلی در ترکیه نیز اشاره شده است. بیانیه با این جمله تمام می‌شود: "فقط افراد در جنگ نمی‌میرند، بلکه انسانیت نیز می‌میرد. با حفظ آرامش، انسانیت خالص خود را نشان دهیم. حزب عدالت و توسعه، هم در داخل و هم در خارج ما را در جنگ می‌کشد، در همه استان‌ها شعار "جنگ را متوقف کنید" را با هم سر دهیم و با استفاده از قدرت‌مان در تولید، در تمام مناطق، قول دهیم صدای رسای نیروهای دموکراتیک و مترقی شویم." (۱۹)

منابع و زیرنویس‌ها

1- (<http://www.radiozamaneh.com/197382>)

2- Çağlar Keyder, 'Law of the Father', LRB Blog, 19 June 2013.

در این منبع تعداد دانشگاه‌های ترکیه در سال ۲۰۰۶، هفتاد دانشگاه عنوان شده است. مرادیان، محسن، برآورد استراتژیک ترکیه (سرزمینی، دفاعی، اقتصادی، اجتماعی)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. چاپ دوم: ۱۳۸۹. صفحه ۶۰۸

3-<http://www.imfmetal.org/index.cfm?c=28138&l=2>

برای آشنائی با لیبراستار و کنفرانس ترکیه مراجعه شود به ضمیمه یک در انتهای کتاب

<http://www.ericlee.info/blog/?cat=13&paged=4>

4-<http://ejts.revues.org/4321>

[Smith, Anthony D.](#) (1998). *Nationalism and Modernism: A Critical Survey of Recent Theories of Nations and Nationalism*. London: Routledge. ISBN 0-415-06341-8.

5- <http://www.ardarutyun.org/?p=4140&lang=en>

6- the Motherland Party (Anavatan Partisi–ANAP) Turgut Özal

the Populist Party (Halkçi Partisi–HP),

the Nationalist Democracy Party (Milliyetçi Demokrasi Partisi–MDP),

7- <http://www.turkis.org.tr/>

http://www.hakis.org.tr/index.php?option=com_contact&view=contact&id=1&Itemid=2

http://en.wikipedia.org/wiki/Confederation_of_Revolutionary_Trade_Unions_of_Turkey

http://en.wikipedia.org/wiki/Confederation_of_Public_Workers'_Unions

8- [http://en.wikipedia.org/wiki/Education_and_Science_Workers'_Union_\(Turkey\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Education_and_Science_Workers'_Union_(Turkey))

9-http://www.ei-ie.org/en/websections/content_detail/6418

10- <http://www.kpdailynews.com/index.php/cat/35/news/545>

11-http://en.wikipedia.org/wiki/Ko%C3%A7giri_Rebellion

12-[Haki Karer](#), a leader of the “Revolutionaries of Kurdistan” group is assassinated in [Gaziantep](#)

13-http://en.wikipedia.org/wiki/Timeline_of_the_Turkey%E2%80%93PKK_conflict

۱۴- در سال ۱۹۷۰ تفکرات و اندیشه‌های عبدالله اوجالان معروف به آپو (به معنی عمو) شکل می‌گیرد. آپو در دانشگاه‌های ترکیه به عنوان دانشجوی علوم سیاسی به بحث و بررسی دربارهٔ اوضاع کردستان ترکیه می‌پردازد و با تلاش و رهبری وی گروه دانشجویی و شاخهٔ جوانان انقلابی احزاب در ترکیه شکل می‌گیرد و نفرات آن گروه را اکثراً کرد زبان و بعضاً ترک زبان و روشنفکران و دانشگاهیان تشکیل می‌داد که « حقی قرارا» و « عبدالله اوجالان » هستهٔ اصلی و مرکزی آن گروه بودند. این افراد جلسه‌ای در آنکارا تشکیل می‌دادند که به تجمع و گردهمایی « دیکمان » مشهور شد و به دو توافق دست یافت : ۱- بازگشت به میهن و ۲- شروع مبارزهٔ ایدئولوژیک و تنظیم و سازماندهی پس از بازگشت به کردستان.

گفتنی است که پس از مدتی با همت فارغ التحصیلان دانشکدهٔ علوم سیاسی و به رهبری اوجالان گروهی با نام «انجمن تحصیل‌کردگان دموکرات وطن پرست آنکارا» اعلام موجودیت می‌کنند و در سال ۱۹۷۴ این گروه نام خود را بر اساس ایدئولوژی که انتخاب کرده بودند به «apousk» آپوجولر یعنی طرفداران آپو تغییر دادند.

در سال ۱۹۷۵ این گروه به طور مخفی با تبلیغات سیاسی مردم را علیه دولت تحریک می‌کردند و در سال ۱۹۷۷ تحت عنوان « مسیر انقلاب کردستان» منشوری را منتشر کردند که در همین سال دولت با خطرناک اعلام نمودن این گروه به وسیلهٔ سازمان استخبارات و اطلاعات ترکیه (MIT) سازمان ستارهٔ سرخ را برای مقابله با این گروه و

سرکوب هرگونه آشوبی تشکیل دادند که این سازمان با نفوذ در داخل اعضاء گروه رهبر و ادارهکننده گروه یعنی حقی قرار را به قتل رساندند که پس از او هدایت آن به اوجالان واگذار شد. در ۲۷ نومبر ۱۹۸۷ در روستای فیس کنگره‌ای تشکیل و حزب کارگران کردستان P.K.K رسماً بنیانگذاری شد.

۱۵- سیاست و تدابیر دولت ترکیه برای مقابله با پ.ک.ک عبارت است از :

۱- مقابله با مبارزه نظامی پ.ک.ک و سرکوب جدی آنها در برخی مراحل انتخابی - نادر، دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: هرمس، چاپ یکم: ۱۳۹۲، ص ۴۹۲-۲- تشکیل نیروی مخصوص برای مبارزه با تروریسم در آنکارا (اوزل حرکات) ۳- تشکیل نیروهای محلی و گماردن نیروهای حفاظتی در منطقه به خصوص مناطق روستائی (کوی قورویوجولاری) ۴- تجهیز روستائیان به خطوط مخابراتی جهت کنترل ورود و خروج تروریست‌های پ.ک.ک ۵- تلاش دولت برای تجدید پروتکل‌های امنیتی با کشورهای همسایه، اعلام حالت فوق العاده در استان‌های جنوب و جنوب شرق ترکیه برای ایجاد ثبات فکری ۶- طرح اسکان ترک‌ها در مناطق کردنشین کوچ دادن و تخلیه روستاهای مرزی آلوده ۷- اقدام به وعده‌های اصلاح مسائل اقتصادی، اجتماعی و... ۸- تقویت و تجهیز پاسگاهها در مرز ایران و عراق به انواع سیستم‌های کامپیوتری و پیشرفته ۹- ایجاد روابط سیاسی با حزب دموکرات کردستان عراق (طالبانی‌ها و بارزانی‌ها) به منظور حمله به اهداف پ.ک.ک در مرز عراق ۱۰- همکاری سازمان امنیت ترکیه (میت) با سازمان‌های جاسوسی امریکا (سیا) و اسرائیل (موساد) ۱۱- نفوذ نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به گروه‌های اسلامی خصوصاً حزب الله. تغییر قیافه دادن برای مبارزه با پ.ک.ک ۱۲- اجرای طرح عفو عمومی جهت بازگشت و تسلیم عناصر ضعیف ۱۳- استفاده «میت» از پناهندگان عراقی جهت ضربه زدن به عناصر پ.ک.ک ۱۴- استفاده از عشایر و مسلح نمودن آنها در مقابله با پ.ک.ک ۱۵- اجرای طرح‌های سیاسی و فرهنگی در منطقه کردنشین از جمله: (الف) اعطای آزادی به بعضی از گروه‌های چپی که فعالیت نظامی مسلحانه ندارند. (ب) دایر نمودن برخی از مدارس در محدوده‌های مناطق کردنشین به زبان کردی و محلی صدور مجوز مدرسه خصوصی به زبان کردی فقط برای مدارس خصوصی بوده است. تاکنون تنها یک مدرسه در دیاربکر (آمد) به نام مدرسه شهید فرزاد کمانگر در سال ۲۰۱۴ تأسیس شده است. (ج) اجرای برنامه‌های کردی از رادیو و تلویزیون کشور (د) آزادی گویش و پوشیدن لباس کردی.

لازم به ذکر است بارزانی‌ها رهبران حزب دموکرات هستند. طالبانی‌ها (جلال، پسرش قباد، دخترش آلا و همسرش هیرو ابراهیم) رهبران اتحادیه میهنی کردستان عراق هستند که معمولاً از پ.ک.ک به صورت تاکتیکی حمایت کرده اند.

۱۶-۱۷- مروری بر جنبش‌های سیاسی اجتماعی در ترکیه، سولماز به‌رنگ، رونا‌هی شورش‌گر، پروسه

۱۸- شرایط طبقه کارگر ترکیه و تشکل‌های آن تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه سولماز به‌رنگ می ۲۰۱۲. به نقل از تاریخ طبقه کارگر ترکیه، نوشته بیلدیریم کوچ استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی خاور میانه

19-http://tr.sputniknews.com/rsfmradio.com/2014_10_08/kesk-kobaniicin-eylem-cagrisi

ادامه دارد

*- از این که حین ویرایش، ویرستاران پورتال متوجه اشتباه فرستنده مطلب نشده و قسمت دوم را به جای قسمت اول به نشر رسانیده اند، از تمام خوانندگان پوزش می خواهیم.

اداره پورتال AA-AA